گسستن در تحصيل معرفت ‏الله از تقليد رؤسا و علماء دينی

حضرت بهاءالله

اصلی فارسی



### لوح رقم (2) – امر و خلق، جلد 1

## ٢ - گسستن در تحصيل معرفت‏الله از تقليد روسا وعلماء دينی

از حضرت بهاءالله در لوح خطاب بنصير است قوله العلی: "اوّل علمای عصر بر اعراض و اعتراض قيام نمودند اگر چه اعراض امثال اين نفوس بر حسب ظاهر سبب اعراض خلق شد ولکن در باطن خلق سبب اعراض اين نفوس شده‏اند. مشاهده کن اگر ناس خود را معلّق برد و قبول علما و مشايخ نجف و دونه نميساختند و مومن بالله ميشدند مجال اعراض از برای اين علماء نميماند چون خود را بی مريد و تنها ملاحظه مينمودند البتّه بساحت اقدس الهی ميشتافتند و لابد بشريعه قدم فائز ميگشتند و حال هم اگر اهل بيان از تشبّث بروسا خود را مقدّس نمايند البتّه در يوم‏الله از خمر معانی ربّانی و فيض سحاب رحمت رحمانی محروم نگردند. باسمم حجبات غليظه را بردريد و اصنام تقليد را بقوّت توحيد بشکنيد و بفضای رضوان قدس رحمان وارد شويد نفس را از آلايش ماسوی‏الله مطهّر نمائيد و در موطن امر کبری و مقرّ عصمت عظمی آسايش کنيد بحجاب نفس خود را محتجب مسازيد چه هر نفسی را کامل خلق نمودم تا کمال صنع مشهود آيد. پس در اين صورت هر نفسی بنفسه قابل ادراک جمال سبحان بوده و خواهد بود."

و قوله الحقّ: "بگو ای قوم بقوّت ملکوتی بر نصرت خود قيام نمائيد که شايد ارض از اصنام ظنون و اوهام که فی الحقيقه سبب و علّت خسارت و ذلّت عباد بيچاره‏اند پاک و طاهر گردد اين اصنام حائل‏اند و خلق را از علّو و صعود مانع. اميد آنکه يد اقتدار مدد فرمايد و ناس را از ذلّت کبری برهاند."
**حاشیه**\*
و در شرح آيه قرانيه و نزعنا من کلّ امة شهيدا فقلنا هاتوا برهانکم قوله فقلنا للامم هاتوا برهانکم علی صحة ما کنتم تذينون به . و در شرح آيه الا تعلوا علی و أتونی مسلمين قوله.
و ليس الامر فيه بالانقياد قبل اقامه الحجة علی رسالته حتّی يکون مستدعيا للتّقليد فان القاء الکتابه عليها علی تلک الحاله من اعظم الدلالات.

و در شرح آيه و اذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه آبائنا او لو کان الشيطان يدعوهم الی عذاب السعيره قوله: و هو منع صريح من التقليد فی الاصول.

و نيز در قران است قوله تعالی: "و اذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما القينا عليه آبائنا او لو کان آباوهم لا يعقلون شيئا ولا يهتدون و قوله تعالی و اذا قيل لهم تعالوا الی ما انزل الله و الی الرسول قالوا حسينا ما وجدنا عليه آبائنا او لو کان آباوهم لا يعقلون شيئا و لا يهتدون.

و از شيخ طريحی در کتاب مجمع البحرين است: قال الشيخ ابو علی رهـ اخبر سبحانه عن الکفار منکرا عليهم او لو کان آباوهم ای يتبعون آباؤهم فيما کانوا عليه من الشرک و عبادة الاوثان و ان کان آباوهم لا يعلمون شيئا من الذين و لا يهتدون اليه و فی هذه الآية دلالة علی فساد التقليد و انه لا يجوز العمل فی شيئی من امور الدين الا بحجته و فيها دلالة علی وجوب المعرفه و انها ليست ضرورية لانه سبحانه بين الحجاج عليهم ليعرفوا صحة ما دعاهم الرسول اليه و لو کانوا يعرفون الحقّ ضرورة لم يکونوا مقلّدين لابائهم ... عن ابی حمزة الثمالی قال قال لی ابو عبد الله اياک و الرياسة اياک ان تطاء اعقاب الرجال قال قلت جعلت فداک امّا الرياسة فقد عرفتها و امّا ايطاء اعقاب الرجال فما ثلثا ما فی يدی الا مما طئت من اعقاب الرجال فقال لی ليس حيث تذهيب اياک ان تنصب رجلا دون الحجة فتصدقه فی کلّ ما قال .

و نيز در کتاب مجمع البحرين است فی الحديث عن الصادق: لوددت اصحابی تضرب رؤوسهم بالسياط حتّی يتفقهواء. و قال تفقهوا فی الدين فانه من لم يتفقهوا فی الدين فهو اعرابی ان الله يقول فی کتابه ليتفقهوا فی الدين و لينذروا قومهم اذ ارجعوا اليهم لعلهم يحذرون .

در کتاب کافی باب التقليد . ابيعبد الله قلت له اتخذوا حبارهم و رهبانهم اربابا من دون الله فقال امّا و الله ما دعوهم الی عبادة انفسهم و لو دعوهم ما اجابوهم و لکن احلّوا لهم حراما و حرموا عليهم حلالا فعبدوا لهم من حيث لا يشعرون.